

بفواش فرستد تا جای ظاهر کند و سخن خواجه بدین قول
دلالت کند چنانکه فرمود ان الله تعالی يحب كل قلب حرزین
یعنی خدای تعالی دوست می دارد قلبی را که اندوه او در روی بلند
و چون حزن در دل جای گیرد و بفروفت آن دل را از همه محبوب
خالی کرده اند این مقام را بخیر بدین گویند و چون آتش حیرت غلبه کند
و مستی سالک را از این بوی که این مقام را نشانی بدین گویند
یعنی خرید تو که غیر خوب کردن است و تفرید تو که خود کردن است
تو که جمله کن که بخیر این بود خوشبختی کم کن که تفرید این بود و بعضی
گفته اند از بزرگان که ما چیزی را ظاهر می ماست و باطن ظاهرش
بخیر تو که زینت دنیا است و باطن تو که ماوی و ظاهر تفرید
ترا اختیار است و باطن تو که ماستی خوشتان و بعضی گفته اند

تخرید

تخرید انقطاع است از غیر مطلوب و تفرید قطع نظر از
آن انقطاع است بکردن این همه ای راه در روی همیشه
لا احب الی قلین کوی پس آنکه پیچ موسی اندرین راه بر و ناسنوی
انی انا الله ای سالک راه حق بدان که اکنون تخرید و تفرید موقوف
توحید اند چون سالک از توحید خبردار گردد از مستی خود
خلاص ^{یابد} چنان که شیخ عطار قدس الله سره فرمود بیت ما که زد
توحید بر جان من رسم جمله کلمه کردند از او نیز هم **باب**
چهاردهم در توحید تا بحال که ظاهر بر کبریا قدمست
توحید من تو سرک مطلق باسند من زعم انه وصل الله فقد استرک
انایای کرده می شود ای سالک راه حق بدان که توحید یکتا
دیانت و شناختن بشناسای او عزت رتی بنی این بند